

سرنگونی رژیم

« هم استراتژی و هم تاکتیک »؟!؟

این تعبیر عامیانه و غلط انداز از مبارزه طبقاتی در بستر مالکیت خصوصی، حاوی نوعی شتاب « انقلابی »؟! حکایت از یاس و درماندگی، رخوت و استیصال دارد. نشان می دهد که مدعی خیالپرداز تنش های اجتماعی را ناشی از انحراف، شیطنت ذهن، در ورای قوانین کور طبیعی و اقتصادی می پندارد. خود سرانه، استراتژی و تاکتیک، هدف و راهکار را به هم می دوزد تا زودتر به مقصد برسد... پس نکند که دیالکتیک، تبدل مادی و تاریخی، شدن در زمان، پوست انداختن در مکان، چیزی « من درآوردی »! مستقل از دعوای قهری میان خلع ید کنندگان و خلع ید شدگان... مبارزه طبقاتی برسر چگونگی بازآفرینی زیست جمعی انسان ها در این یا آن شرایط مشخص تاریخی باشد؟! عاشقان را بگذارید بنالند همه...

ولی سرنگونی « رژیم »؟! از هر قماش... یک پیکار تمام عیار طبقاتی است برای تسویه حساب با نظم مستقر، گذار انقلابی از وضع موجود... و هیچ معنایی غیر از جنگ داخلی ندارد. منطقی هم هست - نوعی « منطق صوری »! که در بهترین حالت، لزوم گذار از وضع موجود را، با کلی اما و اگر... ادا و اطوار « علمی »! تائید می کند. اما دریغ از یک کلمه - حتی فقط برای خالی نبودن عریضه... در باره کردار انسان ها، نقش بازیگران واقعی و تاریخی گذار در گذشته و حال، در مورد تضاد کار و سرمایه، محرک تقابل بورژوازی و پرولتاریا برسر مزد و اشتغال و آموزش... در دوران معاصر، ضرورت مبارزه اجتماعی، آگاهانه و سازمانیافته کارگران برای نفی مالکیت خصوصی، گذار انقلابی از سرمایه داری...

چند کلمه در مورد آرایش رزمی در قبال نظم مستقر برای گذار از وضع موجود، تسویه حساب انقلابی تمام عیار با رژیم بورژوا - آخوندی ایران. پسوند « اسلامی »؟! شگرد بورژوازی بزدل وطنی برای فرار از مبارزه طبقاتی، رسوا تر از آن است که ایران دوستان بی غل و غش، عناصر ملی و مترقی، نیروهای انقلابی و کمونیست را گمراه کند، علیه هموطنان مسلمان بشوراند... ساده لوحان نامجو را نشانه گرفته، که رژیم مستقر را، نه با نقد اقتصاد پولی متداول، که بر مبنای دعوای شرعی و خررنگ کن « علما »! تعریف می کنند. شرط بلاغ...

بگو پدر فقها، طفیلی ها... سرنگونی رژیم در ایران متوجه سرمایه داری است. گواينکه پسوند « اسلامی »! آب را گل آلود می کند، افکار عمومی را نشانه گرفته، مبارزه طبقاتی در دوران معاصر را در پرده ابهام قرار می دهد. ولی این « مقوله »؟! یعنی جنگ داخلی برای گذار از سرمایه داری... آخرین جدال میان نیروهای فقر و ثروت، کلی پیش فرض دارد: سوای برنامه، استراتژی و تاکتیک، هدف و راهکاری قابل فهم، محتاج یک آرایش رزمی منظم و موثر و مستقل، مبارزه آگاهانه و سازمانیافته کارگران، رهبری طبقه کارگر در مبارزات جاری، جنبش ترقی خواهی برعلیه استبداد و استعمار، محتاج حضور ذهن قبلی نسبت به داده ها، ساختارها در سطح ملی و بین المللی است. بقول معروف: بی مایه فطیره...

فراموش نکنیم که این پیکار طبقاتی تمام عیار برای تسویه حساب با نظم مستقر، جنگ داخلی برای نفی مالکیت خصوصی، الغای بهره کشی، استثمار و استعمار، دیکتاتوری پول از راه مصادره دارائی و اموال گروههای ممتاز، مالکان و سرمایه داران، گذار انقلابی از سرمایه داری... دو مرحله، مکمل و متفاوت، دارد: اول مبارزه سیاسی، دوم مبارزه برسر قدرت سیاسی. اولی، تاکتیکی برای بسیج نیرو، دومی، استراتژیک، برسر مدیریت جامعه. پس جا دارد که براندازان وطنی تکلیف خود را روشن کنند؟! بکوشیم تا بازیگران فضول و فعال دوران خود باشیم...

رضا خسروی